

تأثیر هویتی اینترنت

کلید واژه ها: هویت- اینترنت

هویت واژه ای عربی است که از دو جزء تشکیل شده است. جزو اول، ضمیر غایب " هُوَ " : کیستی به معنای " اتحاد با ذات و حقیقت خویش" یا " یکی بودن موصوف با صفات اصلی مورد نظر"- این همانی و جزو دوم علامت " یت" که در زبان عربی مصدر جعلی می سازد.

هویت: به معنی " چه کسی بودن" از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشأت می گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فرد وجود دارد

هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود می کند و به پرسش هایی چون " چیستم " و " چه می خواهم " پاسخ می دهد و از این طریق به ابعاد شخصیت خود، نوعی هماهنگی و انسجام می بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان موضع یابی می کند.

هویت از مجموع ویژگی هایی تشکیل می شود که سبب تعریف احساس درونی فرد نسبت به خود می شود، احساسی که سبب تفاوت او از دیگری می شود. این مجموعه شامل عناصر مادی و معنوی است که در هر دوره ای از زندگی، تعدادی از این عناصر، برجسته می شوند یا در دوره ای پنهان می شوند. عناصر سازنده هویت ممکن است تحت شرایطی تغییر یابند و جای خود را به عناصر دیگری بدهند.

هویت مفهومی است که همیشه بین " خودی" و " غیر" مطرح می شود. حذفی است بین خودی و غیر و تمایزات فرهنگی آنها که آنها را از یکدیگر جدا می سازد که به آن هویت قومی می گویند.

اینترنت:

ما با واژه های اینترنت ناسیونال (بین الملل) اینترنت استیبت (بین الدولی) اینترنت سیتی (بین شهری) آشنایی داریم. اینترنت هم ارتباط بین شبکه ها می باشد. بکارگیری اولیه آن نظامی بوده است. بعد از آنکه آمریکا و شوروی به سلاحهای گرما هسته ای (بمب های هیدروژنی) دست یافتند. نقاط حساس راهبردی یک دیگر را توسط این سلاحها نشانه گرفته تا در زمان جنگ یکدیگر را مورد هدف قرار دهند. برقراری بین شبکه سلاحهای راهبردی هریک، اینترنت بود. در صورت ضربه خوردن بخشهایی، بخشهای دیگر قادر به ادامه بقا بودند. در دوران جنگ سرد، هر قدرت 12500 منطقه دیگری را نشانه گرفته بود. در پایان جنگ سرد، بر اساس استارت 1 و 2 (Strategic Arms Reduction Treaty) (معاهده کاهش سلاحهای راهبردی) دوقدرت تعهد کردند، تنها 2500 منطقه یکدیگر را را زیر نشانه گیری خود قرار دهند. آمریکا بعد از سی سال استفاده نظامی از اینترنت و اشراف به ضعف ها آن، آنرا در اوائل دهه 90 وارد بازار کرد. از یک طرف چرخه اقتصادی سرمایه داری در پیشرفته ترین وجه به حرکت خود ادامه داد، از طرف دیگر با کنترل و بازپرووری واحد های خبری ارسالی توسط استفاده کنندگان، هزینه های جاسوسی را کاهش داد. " سیستم امنیتی لاغر"

در عرصه استفاده های تجاری و شخصی (ارتباطی و مبادله اطلاعات)، اینترنت به تدریج در کشورهای در حال توسعه متداول می شود.

(ضریب نفوذ اینترنت در ایران 2.5% و ماهواره 10% برآورد شده است. 1382- www.intercom.ir.com) البته زیر ساخت های فنی لازم برای استفاده از شبکه رایانه ای و اینترنتی در کشورهای عقب افتاده، از اروپا و آمریکا، فرسنگها فاصله دارد. تکوین جامعه اطلاعاتی نوین بر کشوره های عقب افتاده اثر خود را گذاشته است. تالیف حاضر تأثیر هویتی اینترنت در چارچوب نقش رسانه در تحول هویت در جریان مدرنیته، مورد بررسی قرار می دهد.

1- اینترنت فرصت بی سابقه ای را در اختیار فرد یا گروه های اجتماعی برای ساختن و به نمایش گذاشتن هویت خویش قرار داده است.

2- عرضه منابع هویتی گوناگون توسط اینترنت موجب تکثر و چندگانگی هویتی فرد و جوامع شده است. این روند در کشورهای عقب افتاده ایجاد بحرانهای هویتی می کند و زمینه ساز هویتی تعارض آمیز می شود. (این بحرانها در جوامع متروپل در سطوح پائین تری قرار دارد). شکافهای هویتی تحت تأثیر اینترنت در کشورهای عقب افتاده، گسترده تر خواهد بود.

3- Cyber Space سپهر مجازی، فن آوری های جدید ارتباطی، نحوه ی سازماندهی و سلسله مراتب قدرت، قشربندی های اجتماعی و ارزش ها و هنجارها را دگرگون ساخته است. بعلت ادغام فن آوری های ماهواره ای با رایانه و تلویزیون، بدیل هایی برای نظام ارتباطی قبلی پدید آمده و نظام تازه ای از تولید کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان، جانشین نظام قبلی شده است. اینترنت مرزبندی های جدیدی در حیطه رسانه ها بوجود آورده است.

نظرات جدید در ارتباط با این تحول: عصر دوم رسانه ها- مدرنیته دوم - جامعه ارتباطی- مدرنیته سیال

هویت و باز تابندگی

سپهر مجازی آمیخته ای از سه عنصر مادی و نمادین و تجربه های فردی متفاوت است. دولت های پیشرفته کارآمدترین بهره را از سپهر مجازی می کنند. همانند دیگر موارد انقلاب در عرصه صنعت، اینترنت هم تصویری نوین از جهان

عرضه کرده و این امکان را بوجود آورده است تا انسان بتواند هویت جدیدی متفاوت از گذشته از خود ارائه دهد. این تاثیر پذیری از اینترنت زیر عنوان Reflexivity بازتابندگی نام برده می شود. میان پدیده بازتابی و ظرفیت تازه ی هویت پیوند تنگاتنگی وجود دارد. اینترنت به واسطه ای برای افزایش نقش بازتابی هویت تبدیل شده است. این بدان معنی است که افراد آسان تر می توانند هویت های فردی و جمعی خود را بازسازی کرده و از نو بسازند. این بازسازی صرفاً به اراده ی افراد منوط نیست، بلکه رویداد هایی مانند جهانی شدن نیز در آن موثرند.

هویت شخصی در بستر ظرفیت های بازتابی فرد، تعریف می شود. هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه فرد باید آنرا به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت های بازتابی خویش مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. بعبارت دیگر، هویت شخصی مستلزم آگاهی بازتابی فرد است. هویت امری ساخته شده و ساخته شدن آن پایانی ندارد. چون فرد مدام دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به هویت خود می باشد در نتیجه اسیتا نیست. این تلقی به هویت حالت دیالکتیکی می دهد.

اینترنت و بازتابندگی

سه دیدگاه در مورد رابطه فرد با اینترنت:

دیدگاه خوش بینانه: اینترنت صرفاً یک رشته امکانات محض در جهت تواناسازی فرد برای گردآوری انبوه اطلاعات و رشد کثرت گرایی است. دیدگاهی اراده گرایانه

دیدگاه بد بینانه: اینترنت ساختاری عینی و بیرونی و دشوار است که در چارچوب آن ذهنیت افراد شکل می گیرد و کاربران را تحت سیطره خود قرار می دهد و جبری بر آن تحمیل می کند. این دیدگاه نقش عاملان را یکسره نادیده نادیده می گیرد و کاملاً جبرگراست.

دیدگاه میانه: باور بر پیوستگی عاملان و اینترننت دارد. این دیدگاه از رویکرد های اراده گرایانه و جبرگرایانه فاصله می گیرد و ضمن آنکه محدودیتهای گفتمانی و ظرفیت های جدید اینترنت را در نظر دارد، به آزادی عمل کاربران نیز توجه دارد. این رویکرد از تائید و انکار محض اینترنت خودداری می کند. این رویکرد "تکنو رئالیسم" نام گذاری شده است. این دیدگاه از تنوید انگاری فن دوستی - فن ترسی فرا تر رفته در عین اینکه ابعاد هستی شناختی فن آوری اینترنت را نادیده نمی گیرد (فنی فن دوستی) در عین حال فن آوری را برای همه چیز تعیین کننده نمی بیند (فنی فن ترسی).

فن آوری نوین اینترنتی امکانات جدیدی را فراهم می آورد که فرد با اتکا به آن می تواند بر بعضی محدودیت های خود چیره شود. اولاً، به لحاظ هستی شناختی، اینترنت تجربه ی جدیدی از هویت و بودن در اختیار کاربرانش قرار می دهد که بر آمده از سپهر مجازی است. در واقع، انواع جدید حضور در جهان بر اساس این هویت های جدید شکل می گیرد. در دنیای مجازی، جسمانیت رنگ می بازد و هویت حالتی ابهام آمیزی پیدا می کند. بسیاری از عناصر شخصیتی که فرد در دنیای جسمانی به آنها عادت دارد، در سپهر مجازی معنای خود را از دست می دهد. برای اولین بار فرد فرصت می یابد که از محدوده ی تن خویش عبور کند و هویت را بدون وابستگی به کالبدش تعریف کرده و خود را به دیگران بشناساند. سپهر مجازی از عهده این کار بر می آید، زیرا مشتمل بر اطلاعات است و نه ماده. در این جا ما با هویت های الکترونیکی سروکار داریم که توسط خود فرد ساخته شده است. دنیای فیزیکی وحدتی را به فرد تحمیل می کند، ولی در دنیای مجازی به سختی می توان چنین وحدتی را یافت.

در نسل اول رسانه ای - روزنامه، رادیو و تلویزیون مرز مشخصی بین تولید کننده اطلاعات و مصرف کننده اطلاعات وجود دارد، اما در نسل دوم یک مصرف کننده می تواند تولید کننده باشد. در این فاز اینترنت بعنوان واسطه عمل می کند. همانند دیگر ابداعات های تکنیکی، در ابتدا مصرف کنندگان بسیار زیاد ترند تا تولید کنندگان. با افزایش تولید کنندگان اطلاعات، حاصل این تبدلات، بوجود آمدن یک "محیط آناشیک" می شود. در این محیط سلسله مراتب ارتباطی تضعیف شده و فرد مجال می یابد هویت مورد نظر خود را پیدا کند.

اینترنت و هویت مجازی فردیت یافته

اینترنت دارای قابلیت است که بواسطه آن فرد می تواند "خودهای جدیدی" را از خود ارائه دهد. که این خود ها در دنیای مادی امکان تحقق ندارد. این کارائی اینترنت را برای کاربران جذاب تر می کند. وب مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می شود. کاربرانی که در سایت های مختلف خود را به گونه های مختلف معرفی می کنند دارای "هویت الکترونیک چند گانه" می شوند. رسانه های نسل اول فاقد این ویژگی در سپهر مجازی هستند. هویت اینترنتی با دیدگاه های متعارف در باره ی هویت جور نیست. با گسترده شدن مرزهای هویتی در سپهر مجازی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی فرد در اینترنت مخدوش می شود.

امروزه حتا اعضای خانواده ها و همسایگان نیز به ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت ها را روزبه روز دشوار تر می کند. نمی توان از این ایراد چشم پوشید که وسائل ارتباطی به تدریج نقش فزاینده ای در سست کردن انسجام اجتماعات و ذره ای کردن جوامع دارد. اینترنت در مقایسه با تلویزیون تاثیر بیشتری در تنهایی

فرد دارد. به هر حال یک خانوتده به بهانه ی دیدن برناوه تلویزیون دورهم جمع می شوند در حالیکه کاربران اینترنت معمولاً در تنهایی عمل می کنند. اینترنت سبب رشد یک فرهنگ شخصی شده که حاصل آن تخیلات و تصورات و پندارهای فردی است. این امر به قیمت ماهش نفوذ کلیت های سیاسی بر هویت سازی های فردی تمام شده و به شکل گیری منابع جدید هویتی می انجامد. نظرگاه ی برای توضیح این گرایش جدید در فرهنگ از اصطلاح " فوق فرهنگ " استفاده می کند. " فوق فرهنگ " به سوی گیری ها و تجربه های شخصی فرهنگی مربوط می شود. در این حالت ارتباطات و تعامل های بین فردی نقش گسترده ای در فرهنگ سازی ایفا می کند. هر " فوق فرهنگی " محتوای خاص خود را دارد و می تواند شامل عناصر سنتی و مدرن و پُست مدرن باشد. یکی از ویژگی های " فوق فرهنگ " پویایی آن در مربوط کردن و پیوند دادن حوزه های فرهنگی مختلف در چارچوب دور و نزدیک ، سنتی و مدرن می باشد. با توجه به پدیده " فوق فرهنگ " نقش یکپارچه ساز فرهنگ کم می شود. با در نظر گرفتن تاثیر " فوق فرهنگ " ها، تنوع زندگی فرهنگی معاصر و افزایش میزان تاثیر گذاری رسانه های جدید در زندگی افراد، دیگر نمی توان مخاطبان رسانه ای را همانند گذشته تصور کرد. سپهر مجازی ، از یک سو ساختاری فردیت ساز را بوجود آورده و آنرا تقویت می کند و از سوی دیگر ، عاملان در درون این ساختار به هیچ وجه به طرزنی انفعالی عمل نمی کنند و با عملکرد خود ساختار مزبور را مدام بازسازی می کنند. هویت فردی صرفاً بر اساس یک رشته عوامل کلی و فوق فردی و ساختاری قوام نمی گیرد ، بلکه تا حدود زیادی به عملکرد بازتابی خود فرد است. و ر.ب به سپهر مجازی رنگ و بوی خاصی به این وضع می دهد. جهان مدرن متاخر به شدت بازتابی است. اطلاعات زیادی در دنیای مدرن مبادله می شود و بازتاب این اطلاعات در زندگی، شالوده ی هویت فردی را می سازد. آزادی عمل فرد در برخورد با هویت های دیگر در روی شبکه این روند را تقویت می کند.

گردآوری شده در دوشنبه، 09/04/2007